

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ ﴿١﴾

فولادوند: الف لام راء این است آیات کتاب [آسمانی] و قرآن روشنگر

مکارم: الر - این آیات کتاب و قرآن مبین است.

رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٢﴾

فولادوند: چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند

مکارم: کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال را ببینند) چه بسا آرزو می‌کنند مسلمان بودند!

ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾

فولادوند: بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو[ها] سرگرمشان کند پس به زودی خواهند دانست

مکارم: بگذار آنها بخورند و بهره گیرند و آرزوها آنانرا غافل سازد، ولی به زودی خواهند فهمید

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤﴾

فولادوند: و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آن اجلی معین بود

مکارم: ما (اهل) هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییر ناپذیری) داشتند.

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٥﴾

فولادوند: هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می‌افتد و نه پس می‌ماند

مکارم: هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد و از آن عقب نخواهد افتاد.

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾

فولادوند: و گفتند ای کسی که قرآن بر او نازل شده است به یقین تو دیوانه‌ای

مکارم: و گفتند ای کسی که «ذکر» (قرآن) بر تو نازل شده، مسلماً دیوانه‌ای!!

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾

فولادوند: اگر راست می‌گویی چرا فرشته‌ها را پیش ما نمی‌آوری

مکارم: اگر راست می‌گویی چرا فرشتگان را برای ما نمی‌آوری؟!

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ ﴿٨﴾

فولادوند: فرشتگان را جز به حق فرو نمی‌فرستیم و در آن هنگام دیگر مهلت نیابند

مکارم: (اما اینها باید بدانند) ما فرشتگان را جز به حق نازل نمی‌کنیم و هرگاه نازل شوند دیگر به اینها مهلت داده نمی‌شود (و در صورت انکار به عذاب الهی نابود می‌گردند)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

فولادوند: بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعا نگهبان آن خواهیم بود.
مکارم: ما قرآن را نازل کردیم، و ما بطور قطع آن را پاسداری می‌کنیم.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٠﴾

فولادوند: و به یقین پیش از تو [نیز] در گروه‌های پیشینیان [پیامبرانی] فرستادیم
مکارم: ما پیش از تو (نیز) پیامبرانی در میان امتهای نخستین فرستادیم.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ ﴿١١﴾

فولادوند: و هیچ پیامبری برایشان نیامد جز آنکه او را به مسخره می‌گرفتند

مکارم: هیچ پیامبری به سراغ آنها نمی‌آمد مگر اینکه او را به باد استهزاء می‌گرفتند.

كَذَلِكَ نَسُئِلُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٢﴾

فولادوند: بدین گونه آن [استهزا] را در دل بزهکاران راه می‌دهیم

مکارم: ما اینچنین (و با استفاده از تمام وسائل) قرآن را به درون دلهای مجرمان راه می‌دهیم.

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

فولادوند: [که] به او ایمان نمی‌آورند و راه [و رسم] پیشینیان پیوسته چنین بوده است

مکارم: (اما با این حال) آنها به آن ایمان نمی‌آورند، و سنت اقوام پیشین نیز چنین بود.

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنْ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾

فولادوند: و اگر دری از آسمان بر آنان می‌گشودیم که همواره از آن بالا می‌رفتند

مکارم: و اگر دری از آسمان به روی آنان بگشائیم و آنها مرتبا در آن بالا روند...

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ ﴿١٥﴾

فولادوند: قطعا می‌گفتند در حقیقت ما چشم‌بندی شده‌ایم بلکه ما مردمی هستیم که افسون شده‌ایم

مکارم: باز می‌گویند: ما را چشم بندی کرده‌اند! بلکه ما (سر تا پا) سحر شده‌ایم!!

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾

فولادوند: و به یقین ما در آسمان برجهایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم.
مکارم: ما در آسمان برجهایی قرار دادیم، و آنرا برای بینندگان تزیین کردیم.

وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿١٧﴾

فولادوند: و آن را از هر شیطان رانده‌شده‌ای حفظ کردیم.
مکارم: و آنرا از هر شیطان مطرودی حفظ نمودیم.

إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ ﴿١٨﴾

فولادوند: مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می‌کند.
مکارم: مگر آنها که استراق سمع کنند که شهاب مبین آنان را تعقیب می‌کند (و می‌راند)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿١٩﴾

فولادوند: و زمین را گسترانیدیم و در آن کوههای استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم.
مکارم: و زمین را گستریدیم، و در آن کوههای ثابتی افکندیم، و از هر گیاه موزون در آن رویانیدیم.

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ﴿٢٠﴾

فولادوند: و برای شما و هر کس که شما روزی‌دهنده او نیستید در آن وسایل زندگی قرار دادیم.
مکارم: و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم، و همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید.

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ﴿٢١﴾

فولادوند: و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم.
مکارم: خزائن همه چیز نزد ما است ولی ما جز به اندازه معین آنرا نازل نمی‌کنیم.

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾

فولادوند: و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم پس شما را بدان سیراب نمودیم و شما خزانه‌دار آن نیستید.
مکارم: ما بادها را برای تلقیح (ابرها و بهم پیوستن و بارور ساختن آنها) فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم با آن سیراب ساختیم، در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید.

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ﴿٢٣﴾

فولادوند: و بی‌تردید این ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و ما وارث [همه] هستیم

مکارم: مائیم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و وارث (همه جهان) ما هستیم.

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿٢٤﴾

فولادوند: و به یقین پیشینیان شما را شناخته‌ایم و آیندگان [شما را نیز] شناخته‌ایم

مکارم: ما هم پیشینیان شما را دانستیم و هم متاخران را.

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

فولادوند: و مسلماً پروردگار توست که آنان را محشور خواهد کرد چرا که او حکیم داناست

مکارم: پروردگار تو قطعاً همه را (در قیامت) جمع و محشور می‌کند چرا که حکیم و دانا است.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٦﴾

فولادوند: و در حقیقت انسان را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو آفریدیم

مکارم: ما انسانرا از گل خشکیده‌ای که از گل بدبوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم.

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾

فولادوند: و پیش از آن جن را از آتشی سوزان و بی‌دود خلق کردیم

مکارم: و جن را پیش از آن از آتش گرم و سوزان خلق کردیم.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٨﴾

فولادوند: و [یاد کن] هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت من بشری را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو خواهم آفرید

مکارم: بخاطر بیاور هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت من بشر را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبوئی گرفته شده بود خلق

می‌کنم.

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾

فولادوند: پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم پیش او به سجده درافتید

مکارم: هنگامی که کار آنها پایان رسانیدم و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم همگی برای او سجده کنید.

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾

فولادوند: پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند

مکارم: فرشتگان همگی و بدون استثناء سجده کردند.

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾

فولادوند: جز ابلیس که خودداری کرد از اینکه با سجده‌کنندگان باشد

مکارم: جز ابلیس که ابا کرد از اینکه با سجده‌کنندگان باشد.

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾

فولادوند: فرمود ای ابلیس تو را چه شده است که با سجده‌کنندگان نیستی

مکارم: (خداوند) فرمود ای ابلیس چرا با سجده‌کنندگان نیستی.

قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ ﴿٣٣﴾

فولادوند: گفت من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو آفریده‌ای سجده کنم

مکارم: گفت من هرگز برای بشری که او را از خاک خشکیده‌ای که از گل بدبوئی گرفته شده است آفریده‌ای سجده نخواهم کرد!

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾

فولادوند: فرمود از این [مقام] بیرون شو که تو رانده‌شده‌ای

مکارم: فرمود از صف آنها (فرشتگان) بیرون رو که رانده درگاه مائی.

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾

فولادوند: و تا روز جزا بر تو لعنت باشد

مکارم: و لعنت (و دوری از رحمت حق) بر تو خواهد بود تا روز قیامت.

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾

فولادوند: گفت پروردگارا پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده

مکارم: گفت پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار).

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾

فولادوند: فرمود تو از مهلت‌یافتگانی

مکارم: فرمود تو از مهلت‌یافتگانی.

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾

فولادوند: تا روز [و] وقت معلوم

مکارم: (اما نه تا روز رستاخیز بلکه) تا روز و وقت معینی.

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزِينََنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾

فولادوند: گفت پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت

مکارم: گفت پروردگارا! بخاطر اینکه مرا گمراه ساختی من نعمتهای مادی را در زمین در نظر آنها تزیین می‌دهم و همگی را گمراه خواهم ساخت!

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿٤٠﴾

فولادوند: مگر بندگان خالص تو از میان آنان را
مکارم: مگر بندگان مخلصت،

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾

فولادوند: فرمود این راهی است راست [که] به سوی من [منتهی می‌شود]
مکارم: فرمود این راه مستقیم من است (و سنت همیشگیم)...

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْعَاوِينَ ﴿٤٢﴾

فولادوند: در حقیقت تو را بر بندگان من تسلطی نیست مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند
مکارم: که بر بندگانم تسلط نخواهی یافت مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند.

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾

فولادوند: و قطعاً وعده‌گاه همه آنان دوزخ است
مکارم: و جهنم میعادگاه همه آنها است.

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿٤٤﴾

فولادوند: [دوزخی] که برای آن هفت در است و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می‌شوند]
مکارم: هفت در دارد و برای هر دری گروه معینی از آنها تقسیم شده‌اند!

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾

فولادوند: بی‌گمان پرهیزگاران در باغها و چشمه‌سارانند
مکارم: پرهیزگاران در باغها(ی سر سبز بهشت) و در کنار چشمه‌های آن هستند.

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ ﴿٤٦﴾

فولادوند: [به آنان گویند] با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید

مکارم: (فرشتگان الهی به آنها می‌گویند) داخل این باغها شوید با سلامت و امنیت.

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾

فولادوند: و آنچه کینه [و شائبه‌های نفسانی] در سینه‌های آنان است برکنیم برادرانه بر تخت‌هایی روبروی یکدیگر نشسته‌اند

مکارم: هر گونه غل (حسد و کینه و عداوت و خیانت) از سینه آنها بر میکنیم (و روحشانرا پاک میکنیم) در حالی که همه برادرند و بر سریرها روبروی یکدیگر قرار دارند.

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾

فولادوند: نه رنجی در آنجا به آنان می‌رسد و نه از آنجا بیرون رانده می‌شوند

مکارم: هرگز خستگی و تعب به آنها نمیرسد و هیچگاه از آن اخراج نمیگردند.

نَبِيِّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾

فولادوند: به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان

مکارم: بندگانم را آگاه کن که من غفور و رحیمم.

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥٠﴾

فولادوند: و اینکه عذاب من عذابی است دردناک

مکارم: (و نیز آنها را آگاه کن که) عذاب و کیفر من عذاب دردناکی است.

وَبَشِّرُهُمْ عَن ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ ﴿٥١﴾

فولادوند: و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر ده

مکارم: و به آنها (بندگانم) از میهمانهای ابراهیم خبر ده.

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾

فولادوند: هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند [ابراهیم] گفت ما از شما بیمناکیم

مکارم: هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند (ابراهیم) گفت ما از شما بیمناکیم!

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾

فولادوند: گفتند مترس که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم

مکارم: گفتند نترس ما تو را به پسری دانا بشارت می‌دهیم.

قَالَ أَبَشِّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾

فولادوند: گفت آیا با اینکه مرا پیری فرا رسیده است بشارتم می‌دهید به چه بشارت می‌دهید

مکارم: گفت آیا به من بشارت می‌دهید با اینکه پیر شده‌ام؟ به چه چیز بشارت می‌دهید؟

قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ ﴿٥٥﴾

فولادوند: گفتند ما تو را به حق بشارت دادیم پس از نومیدان مباش

مکارم: گفتند تو را به حق بشارت دادیم، از مایوسان مباش!

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾

فولادوند: گفت چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می‌شود

مکارم: گفت چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش مایوس می‌شود.

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾

فولادوند: [سپس] گفت ای فرشتگان [دیگر] کارتان چیست

مکارم: [سپس] گفت ماءموریت شما چیست ای فرستادگان خدا؟

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾

فولادوند: گفتند ما به سوی گروه مجرمان فرستاده شده‌ایم

مکارم: گفتند ما به سوی يك قوم گنهگار ماءموریت پیدا کرده‌ایم (تا آنها را هلاک کنیم).

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾

فولادوند: مگر خانواده لوط که ما قطعاً همه آنان را نجات می‌دهیم

مکارم: مگر خاندان لوط که همگی آنها را نجات خواهیم داد...

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٦٠﴾

فولادوند: جز آنش را که مقدر کردیم او از بازماندگان [در عذاب] باشد

مکارم: بجز همسرش که مقدر داشتیم از بازماندگان (در شهر و هلاک شوندگان) باشد.

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾

فولادوند: پس چون فرشتگان نزد خاندان لوط آمدند

مکارم: هنگامی که فرستادگان (خدا) به سراغ خاندان لوط آمدند...

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾

فولادوند: [لوط] گفت شما مردمی ناشناس هستید

مکارم: (لوط) گفت شما گروه ناشناسی هستید!

قَالُوا بَلْ جِنَّاتِكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾

فولادوند: گفتند [نه] بلکه برای تو چیزی آورده‌ایم که در آن تردید می‌کردند

مکارم: گفتند ما همان چیزی را برای تو آورده‌ایم که آنها (کافران) در آن تردید داشتند (ما ماور عذابیم).

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٤﴾

فولادوند: و حق را برای تو آورده‌ایم و قطعاً ما راستگویانیم

مکارم: ما واقعیت مسلمی را برای تو آورده‌ایم و راست می‌گوئیم.

فَأَسْرِبَ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٥﴾

فولادوند: پس پاسی از شب [گذشته] خانواده‌ات را حرکت ده و [خودت] به دنبال آنان برو و هیچ يك از شما نباید به عقب بنگرد و

هر جا به شما دستور داده می‌شود بروید

مکارم: بنابراین این خانواده‌ات را در اواخر شب با خود بردار و از اینجا بپوش، تو دنبال سر آنها حرکت کن، احدی از شما به پشت سر

خویش ننگرد. و به همانجا که ما مور هستند بروید.

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَوْلَاءَ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾

فولادوند: و او را از این امر آگاه کردیم که ریشه آن گروه صبحگاهان بریده خواهد شد

مکارم: و ما به لوط این موضوع را وحی فرستادیم که صبحگاهان همه آنها ریشه کن خواهند شد.

وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾

فولادوند: و مردم شهر شادی‌کنان روی آوردند

مکارم: (از سوی دیگر) اهل شهر (با خبر شدند و به سوی خانه لوط) آمدند در حالی که به یکدیگر بشارت میدادند.

قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾

فولادوند: [لوط] گفت اینان میهمانان منند مرا رسوا مکنید

مکارم: (لوط) گفت اینها میهمانان منند، آبروی مرا نریزید!

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ﴿٦٩﴾

فولادوند: و از خدا پروا کنید و مرا خوار نسازید

مکارم: و از خدا بپرهیزید و مرا شرمنده نسازید!

قَالُوا أَوْلَمَ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾

فولادوند: گفتند آیا تو را [از مهمان کردن] مردم بیگانه منع نکردیم

مکارم: گفتند مگر ما تو را از جهانیان نهی نکردیم (و نگفتیم احدی را به میهمانی نپذیرا!).

قَالَ هُوَ لَأَبْنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾

فولادوند: گفت اگر می‌خواهید [کاری مشروع] انجام دهید اینان دختران منند [با آنان ازدواج کنید]

مکارم: گفت دختران من حاضرند اگر می‌خواهید کار صحیحی انجام دهید (با آنها ازدواج کنید و از گناه و آلودگی بپرهیزید).

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾

فولادوند: به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان بودند

مکارم: بجانت سوگند اینها در مستی خود سرگرداندند (و عقل و شعور خود را از دست داده‌اند).

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾

فولادوند: پس به هنگام طلوع آفتاب فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت

مکارم: سرانجام بهنگام طلوع آفتاب صیحه (مرگبار، بصورت صاعقه یا زمین لرزه) آنها را فرو گرفت.

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾

فولادوند: و آن [شهر] را زیر و زبر کردیم و بر آنان سنگهایی از سنگ گل بارانیدیم

مکارم: سپس (شهر و آبادی آنها را زیر و رو کردیم) بالای آنها پائین قرار دادیم و بارانی از سنگ بر آنها فرو ریختیم.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾

فولادوند: به یقین در این [کیفر] برای هوشیاران عبرت‌هاست

مکارم: در این (سرگذشت عبرت انگیز) نشانه‌هایی است برای هوشیاران.

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾

فولادوند: و [آثار] آن [شهر هنوز] بر سر راهی [دایر] برجاست

مکارم: و ویرانه‌های سرزمین آنها بر سر راه (کاروانها) همواره ثابت و برقرار است.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾

فولادوند: بی‌گمان در این برای مؤمنان عبرتی است

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: در این نشانه‌ای است برای مؤمنان.

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾

فولادوند: و راستی اهل ایکه ستمگر بودند

مکارم: اصحاب الایکه (صاحبان سرزمینهای پر درخت - قوم شعیب) مسلماً قوم ستمگری بودند.

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿٧٩﴾

فولادوند: پس از آنان انتقام گرفتیم و آن دو [شهر اکنون] بر سر راهی آشکاراست

مکارم: ما از آنها انتقام گرفتیم و این دو (قوم لوط و اصحاب ایکه) شهرهای ویران شده شان بر سر راه آشکار است!

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ ﴿٨٠﴾

فولادوند: و اهل حجر [نیز] پیامبران [ما] را تکذیب کردند

مکارم: اصحاب الحجر (قوم ثمود) پیامبران را تکذیب کردند.

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾

فولادوند: و آیات خود را به آنان دادیم و [لی] از آنها اعراض کردند

مکارم: ما آیات خود را برای آنها فرستادیم ولی آنها از آن روی گرداندند.

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿٨٢﴾

فولادوند: و [برای خود] از کوهها خانه‌هایی می‌تراشیدند که در امان بمانند

مکارم: آنها خانه‌های امن و امانی در دل کوهها می‌تراشیدند.

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾

فولادوند: پس صبحدم فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت

مکارم: اما سرانجام صیحه (مرگبار) صبحگاهان آنها را فرو گرفت.

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾

فولادوند: و آنچه به دست می‌آوردند به کارشان نخورد

مکارم: و آنچه را بدست آورده بودند آنان را از عذاب الهی نجات نداد.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾

فولادوند: و ما آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده‌ایم و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید پس به خوبی

<http://www.roshd.ir>

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

صرف نظر کن

مکارم: ما آسمان و زمین و آنچه میان آن دو است، جز به حق نیافریدیم، و ساعت موعود (قیامت) قطعاً فرا خواهد رسید، از آنها (دشمنان) به خوبی صرفنظر کن (و آنها را به نادانیهایشان ملامت ننما).

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾

فولادوند: زیرا پروردگار تو همان آفریننده داناست

مکارم: پروردگار تو آفریننده آگاه است.

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾

فولادوند: و به راستی به تو سبع المثنائی [=سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را عطا کردیم

مکارم: ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم.

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

فولادوند: و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان [=کافران] را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز و بر ایشان اندوه مخور و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر

مکارم: (بنابراین) هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادی) که به گروههایی از آنها (کفار) دادیم میفکن، و بخاطر آنچه آنها دارند غمگین مباش و بال و پر خود را برای مؤمنین فرود آر.

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾

فولادوند: و بگو من همان هشداردهنده آشکارم

مکارم: و بگو من انذار کننده آشکارم.

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

فولادوند: همان گونه که [عذاب را] بر تقسیم‌کنندگان نازل کردیم

مکارم: (ما بر آنها عذابی می‌فرستیم) همانگونه که بر تجزیه‌گران (آیات الهی) فرستادیم.

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩١﴾

فولادوند: همانان که قرآن را جزء جزء کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند]

مکارم: همانها که قرآن را تقسیم کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه بر خلاف هوسهایشان بود ترك نمودند)!

فَوَرَبِّكَ لَنَسَأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾

فولادوند: پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید

مکارم: به پروردگارت سوگند از همه آنها سؤال خواهیم کرد...

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

فولادوند: از آنچه انجام می‌دادند

مکارم: از آنچه عمل می‌کردند!

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾

فولادوند: پس آنچه را بدان ماموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب

مکارم: آشکار آنچه را ماموریت داری بیان کن و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾

فولادوند: که ما [شر] ریشخندگران را از تو برطرف خواهیم کرد

مکارم: ما شر استهزا کنندگان را از تو دفع خواهیم کرد.

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

فولادوند: همانان که با خدا معبودی دیگر قرار می‌دهند پس به زودی [حقیقت را] خواهند دانست

مکارم: آنها که با خدا معبود دیگری قرار دادند اما به زودی می‌فهمند.

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾

فولادوند: و قطعاً می‌دانیم که سینه تو از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود

مکارم: ما می‌دانیم سینه تو از آنچه آنها می‌گویند تنگ می‌شود (و تو را سخت ناراحت می‌کنند).

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾

فولادوند: پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده‌کنندگان باش

مکارم: (برای دفع ناراحتی آنان) پروردگارت را تسبیح و حمد گو، و از سجده‌کنندگان باش.

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

فولادوند: و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد

مکارم: و پروردگارت را عبادت کن تا یقین (مرگ) فرا رسد.